نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره ۶۰، بهار ۱۴۰۰

پهنه بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل های مکانی (مورد مطالعه: شهر مشهد)

دریافت مقاله: ۹۸/۲/۱۸ **پذیرش نهایی**: ۹۸/۹/۲۵

صفحات: ۲۵۸-۲۳۹

هادی سلیمانی مقدم: استادیار گروه جغرافیای شهری و روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.[1]
Email: h.soleymani@hsu.ac.ir

رحمان زندی: استادیار گروه سنجش از دور و GIS ، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
Email: rahmanzandi@gmail.com

ابراهیم اکبری: کارشناس ارشد GIS دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
Email: e.akbari@gmail.com

چکیده

بررسی وضعیت فقر در هر جامعه، اولین قدم در برنامه ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است و با درک روند تحولات فقر در طول زمان، برنامه ریزان می توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. در همین راستا هدف پژوهش حاضر بررسی پهنه بندی و تحلیل فضایی فقر شهری در شهر مشهد است. برای انجام این کار از اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری‌شده از منابع مختلف استفاده شده است. نقشه نهایی از تلفیق و هم پوشانی معیارهای موثر در پهنه بندی فقر شهری با استفاده از نظر کارشناسان و بررسی پیشینه تحقیق با تاکید بر تحلیل های مکانی و استفاده از ۱۷ معیار و تحلیل شبکه ای ANP در محیط GIS به دست آمده است؛ براساس نقشه نهایی ۳۳/۰۵ درصد از سطح شهر مشهد، وضعیت بسیار مناسبی را از لحاظ معیارهای مورد بررسی در راستای پهنه بندی فقر شهری دارا می باشند که شامل محدوده های فلسطین، سجاد، گوهرشاد، رازی، بهاران، ولیعصر، فارغ التحصیلان، حافظ، ایثارگران و ... می باشد. طبقه دوم(معادل ۱۸/۷۵ درصد) که نشانگر وضعیت مناسب می باشد شامل محدوده شاهد، الهیه، جانباز، تربیت، هنرور و ... است. طبقه سوم (معادل ۱۹/۲۸ درصد) دارای شرایط متوسطی می باشد و شامل محدوده های مختلف شهر از جمله راه آهن، طبرسی شمالی، وحدت، امیرآباد، کشاورز و موعود می باشد. طبقه چهارم (معادل ۸/۴۶ درصد) شرایط نامناسب را دارا است و محدوده آن شامل قسمت های سیس آباد، ایوان و بخش هایی از منطقه ۷ می باشد طبقه پنجم (معادل ۲۰/۴۳ درصد)که وضعیت بسیار نامناسب را شامل می شود، قسمت های جاهدشهر، ابوذر، رباط، انقلاب، بهارستان، پنجتن آل عبا، شهید قربانی و مهدی آباد را در برمی گیرد.

کلید واژگان: فقر شهری، پهنه بندی، GIS، مدل ANP، شهر مشهد

۱.نویسنده مسئول: دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، گروه جغرافیای شهری و روستایی ۰۹۱۵۹۰۰۱۷۸۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]

[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

مقدمه

فقر به مثابه یک پدیده ی نامطلوب اقتصادی- اجتماعی ، یکی از مهم ترین پیامدهای توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدهای ایجاد شده در بین افراد جامعه است. وجود این پدیده در هر جامعه، مبین عملکرد نادرست سازوکار توزیع درآمد و ثروت در درون ساختار اجتماعی- اقتصادی آن جامعه می باشد که به نوبه ی خود، موجب ایجاد آثار نامناسبی در این ساختار می شود. تداوم این فرآیند تنش های اقتصادی- اجتماعی شدیدی را در پی دارد که هر از گاهی، کل جامعه را در برگرفته و مقابله با آن بسیار مشکل می شود(محمدزاده و همکاران،۱۳۸۹: ۲). فقر از گسترده ترین مشکلات جوامع انسانی بوده و عمری به درازای زندگی بشر دارد. وجود فقر غالباً زمینه ساز بروز انحرافات اجتماعی و بستر مناسبی برای وقوع جرم و جنایت است. فقر برحسب زمان و مکان به صورت های مختلف تعریف شده است(خدادادکاشی و همکاران،۱۳۸۴:۱۳۹). بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می دهد(راغفر و ابراهیمی،۱۳۸۶: ۳-۲)؛ درنتیجه، برنامه ریزان می توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. فقر شهری، به عنوان یکی از گونه های فقر، معضلی چندبعدی است که افراد را با محدودیت ها ی بسیاری از جمله: دسترسی محدود به فرصت های شغلی و درآمدی، عدم بهره مندی از مسکن و خدمات مناسب، محیط ها ی ناسالم و خشن و عدم بهره مندی از خدمات تأمین اجتماعی و سازوکارهای حمایتی بهداشتی و آموزشی، مواجه می کند(داگلاس و آرار[۲]، 4-3:۲۰۰۷). فقر، پایداری شهرها را در ابعاد اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و امنیتی، تهدید می‌کند. مالتوس[۳] به گونه ای غیر مستقیم بیان می‌کند که اغلب، فقرا، در رفتارهایی که برای محیط زیست زیان آور هستند، شرکت می‌کنند زیرا آنها حتی از فکر کردن به وعده غذایی بعدی خود ناتوانند(گری و موزیلی[۴]، 4-3:۲۰۰۵). رشد شهرنشینی، به خودی خود منجر به رشد فقر نمی شود، بلکه شهرنشینی، محرک توسعه اقتصادی نیز می باشد. بنابراین ارتباط بین شهرگرایی و فقر، بسیار پیچیده و اغلب، محل سوء تفاهم و برداشت های نادرست است(مارتین[۵]،2:۲۰۱۲). فقر و تبعات منفی آن، توسعه انسانی را محدود می کند. اکنون اندیشمندان، سیاست گذاران و مدیران شهری به این نکته کاملا اذعان دارند که ریشه بیشتر مسائل اجتماعی شهرها، تمرکز فقر است. بنابراین توجه بسیاری از مطالعات تجربی بر نواحی شهری فقیر، معطوف شده است(رن[۶]،3:۲۰۰۱). شناخت پیچیدگی روابطی که اکنون بر زندگی شهری و فضای شهرها حاکم است، از نخستین وظایفی است که در تدوین برنامه های توسعه باید به آن توجه کرد (کرده،۱۳۹۲:۴). با توجه به ضرورت و اهمیت مبارزه با بحران فقر از یک سوی و از سوی دیگر، اهمیت آن در تعیین افراد واجد شرایط استفاده از برنامه های تأمین اجتماعی، لازم است فقر را در جامعه اندازه گیری کرد. همچنین در ایران

2. Duclos & Araar
3. Malthus
4. Gray & Moseley
5. Martin
6 - Ren

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

دخالت های مستقیم و غیر مستقیم دولت برای افزایش سطح رفاه اهمیت بیشتری دارد و به این ترتیب اطلاع از میزان حداقل معاش(فقر) ضرورتی انکارناپذیر می باشد(حیدری، ۱۳۹۱: ۲). از این رو، در این راستا، به منظور ارائه یک راهکار مناسب، در کنار سایر برنامه های فقرزدایی در جوامع شهری، شناخت فقر و چگونگی شدت توزیع و پهنه بندی فقر، الزامی است. در واقع پهنه بندی فقر، نشان دهنده ی چگونگی پراکنش فقرا در شهر می باشد و این امر روشی جهت مشخص کردن مناطق فقیر نشین و ارائه سیاست ها و برنامه هایی جهت کاهش فقر می باشد به طوری که بتوان امیدوار بود در آینده ای نزدیک این نابرابری و توزیع نامناسب درآمد، ثروت ، خدمات و... را به حداقل مقدار ممکن رساند. به صورت کلی، می توان بیان کرد که پهنه بندی فقر یکی از روش های مناسب جهت یاری رساندن برنامه ریزان و سیاستگذاران در ارائه برنامه ها می باشد. به بیان بهتر، آگاهی از چگونگی وضعیت فقر در شهرهای کشور، از اولویت های مهم به منظور سیاستگذاری های لازم در زمینه توسعه در جهات مختلف می باشد. این سیاست گذاری ها و اتخاذ تصمیمات، می تواند کمک شایانی به کاهش فقر شهری و پیشروی توسعه در کشور شود. شهر مشهد در جایگاه دومین کلان شهر پرجمعیت کشور پس از تهران، به علت پذیرش مهاجران شهری و روستایی از اقصی نقاط کشور و حتی خارج از کشور، در چند دهه اخیر بویژه پس از انقلاب، به سرعت رشد کرده است. این امر موجب کمبود خدمات و زوال شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و در نتیجه افزایش فقر شهری در برخی محله های شهر شده است. با توجه به این مهم که طبق اعلام نظر کارشناسان حدود یک سوم(یک میلیون از سه میلیون نفر) این شهر جزو مناطق اسکان غیر رسمی می باشند بنابراین بررسی ابعاد فقر شهری و نیز پراکندگی آن در مشهد، بسیار ضروری بنظر می رسد. با توجه به آنچه بحث شد هدف کلی تحقیق حاضر پهنه بندی، بررسی و تحلیل ابعاد فقر شهری و توزیع فضایی آن در شهرمشهد می باشد. بنابراین در راستای تحقق این هدف، سوالات تحقیق بدین شرح است: آیا توزیع فضایی فقر در شهر مشهد از الگوهای مکانی پیروی می کند؟ آیا بین شاخص اقتصادی فقر و شاخص اجتماعی در سطح شهر مشهد ارتباط وجود دارد؟ آیا توزیع خدمات شهری در سطح شهرمشهد بر روی فقر تاثیر گذار می باشد؟

بمانیان و همکاران(۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان "ارزیابی خصیصه های اقتصادی در شناسایی گستره های فقر شهری(مطالعه موردی:شهر کاشمر) به این نتیجه دست یافته اند که دو مؤلفه محیطی و کالبدی بیشترین همبستگی را با شکل گیری و بسط گستره های فقر داشته و مؤلفه اقتصاد در رتبه سوم قرار می گیرد. حیدری و سامی(۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان"تخمین حداقل معاش(خط فقر) خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان رضوی با استفاده از سیستم مخارج خطی با شکل گیری عادت" به این نتیجه رسیده اند که در طول دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۶۹ حکایت از بدتر شدن وضعیت خانوارهای شهری و تا حدودی خانوارهای روستایی دارد. روستایی و همکاران(۱۳۹۱) طبق مطالعات خود در مقاله‌ی "توزیع فضایی فقر شهری در کرمانشاه" بیان می کنند که بین بلوک های شهری کرمانشاه نابرابری وجود دارد؛ به طوری که مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است. فرصت های نابرابر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی باعث تمایز بین ساکنان شهر کرمانشاه شده است. یافته‌های جواهری و همکاران(۱۳۹۲) در مقاله‌شان "رویکرد فازی و پهنه بندی فقرچندبعدی در فضاهای شهری(نمونه موردی:کامیاران)" نشان دهنده اختلاف فضایی فقر در محدوده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

شهر کامیاران است. نتایج تحقیقات رضی و محمدی(۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر فقر: بررسی موردی روستاهای جوکار" نشان می دهد که ۲۸/۶ درصد ساکنان جامعه مورد مطالعه زیر خط فقر قرار دارند. ۲۹/۶ درصد به مراکز کشاورزی دسترسی نداشته، ۴۴ درصد از فقیران بی سواد، ۶۶/۷ درصد دسترسی به وسایل جمعی نداشته و ۶۳ درصد فقیران بدهکارند. براساس مطالعات عزیزی و همکاران(۱۳۹۳) با نام "تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد)"، معضل بیکاری در شهر، ظرفیت های محدود تولیدی، ضعف پایه های اقتصادی شهر از جمله عواملی است که موجب توزیع ناموزون منابع و افزایش فقر در مهاباد گشته و در نتیجه نابرابری های اجتماعی را در این شهر افزایش داده است.اما شاخص های سن، نسبت سرشمار حاکی از بهبود وضعیت فقر نسبی در بین همان سال ها در استان می باشد. خلج و یوسفی(۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان "پهنه بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران" دریافته اند که توزیع و شدت فقر در کشور به ترتیب ۱۲/۳ و ۳۰/۶ درصد است و ۲۱/۴ درصد خانوارهای روستایی و ۵/۸۶ درصد خانوارهای شهری فقیرند. و همچنین بیان می کنند که خانوارهای استان جنوب شرقی فقیرترند و سیستان و بلوچستان فقیرترین استان کشور است. جلالی(۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان "رویکردی تحلیلی در بررسی فقر در ایران" بیان می کند که در دوره ۹۲-۱۳۸۳ فقر نسبت به افزایش درآمدها حساس است، همچین نتایج تحقیق ایشان نشان میدهد افزایش قیمت ها به ویژه اقلام ضروری مانند مواد غذایی و مسکن می تواند وخامت وضعیت افراد فقیر را در پی داشته باشد. نتایج تحقیقات موحد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان "تحلیل فضایی فقر شهری در کلانشهر تهران" نشان می دهد که الگوی فقر در کلان شهر تهران براساس تحلیل آماره موران بصورت خوشه ای است و و عوامل فقر مسکن، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، مناطق ۱۷، ۱۹، ۱۸ و ۱۶ بالاترین رتبه ها را داشته اند. میرزاده و پریزادی (۱۳۹۷)، به بررسی توسعه منطقه ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی پرداختند، نتایج پژوهش آنان نشان داد که، بین استان های کشور از نظر توسعه یافتگی، تفاوت ها دارای نابرابری هایی می‌باشد؛ به طوری که استان تهران به تنهایی درطول چند دهه بالاترین سطح توسعه یافتگی و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین سطح در بین استان های دیگر را دارا می باشد. همچنین مقایسه استان ها در طول دوره های مختلف نشان از نابرابری توسعه مرکز نسبت به پیرامون دارد.

ستاوند و همکاران(۱۳۹۸)، در پژوهشی دیگر تحت عنوان، واکاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تاکید بر خدمات عمومی به این نتیجه رسیدند که، توزیع خدمات عمومی در مناطق شهر شیراز با دیدگاه عدالت اجتماعی انطباق ندارد. بدینترتیب اختصاص کاربریها و خدمات شهری مورد نیاز مناطق به ویژه در مناطق توسعهنیافته و یا کمترتوسعهیافته کلانشهر شیراز جهت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و رضایتمندی آنها در جهت کاهش نابرابریهای فضایی و اجتماعی ضروری مینماید.

ادواردو مارکز(۲۰۱۵) در مقاله ای تحت عنوان "فقر شهری، تبعیض نژادی و شبکه های اجتماعی در سائولوپولو و سالوادور، برزیل" بیان می‌کنند که توزیع ناهمگون شبکه‌ها دروحدوده مورد مطالعه در ارتباط است با دسترسی فرد به فرصت‌ها؛ این توزیع ناهمگون به تولید(تولید مثل) فقر شهری کمک می‌کند. جورج گالستر(۲۰۱۶) در مقاله‌اش "عواقب ناشی از توزیع مجدد فقرشهری در طول دهه ۱۹۹۰" به این موضوع

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

رسیده است که توزیع مجدد فضایی فقرای شهری راهکار مناسبی نیست و آینده خوبی را نشان نمی دهد و اثرات خارجی بر روی همسایگان می گذارد. یافته های لئو کاواناگ و همکاران(۲۰۱۶) در مقاله شان با عنوان "عدم تمرکز فقر؟ اندازه گیری کمی عدم قطعیت در تمرکززدایی از فقر شهری" نشان می دهد که فقر در سال ۲۰۱۱ در گلاسکو، داندی و آبردین، متمرکز و در ادینبورگ غیر متمرکز است. نتایج تحقیقات هلهلا و هیل(۲۰۱۶)، "اقتصاد سبز:یک استراتژی برای کاهش فقر شهری و حفاظت از محیط زیست؟ کوازولو- ناتال، آفریقای جنوبی" نشان می دهد که استاتژی اقتصاد سبز به کاهش فقر شهری کمک می کند؛ چرا که این استراتژی در بین فقیران باعث اشتغال و درآمد شده و به صورتی غیرمستقیم از محیط زیست مدیریت می کند. نتایج تحقیقات لانجو و مارا(۲۰۱۸) " فقر شهری در سراسر شهرها و شهر ویتنام" نشان می دهد که سیاستگذاران نگران به خطر افتادن فقر شهری در ویتنام نباید به شهرهای کوچکتر توجه کنند .رسیدگی به نابرابری در دسترسی به خدمات اساسی کلیدی در کل جمعیت شهری ممکن است یک وسیله برای این هدف باشد.

این پژوهش جزو اولین پروژه‌هایی است که بیشتر معیارهای قابل محاسبه(۱۷ معیار) در زمینه ی فقر شهری را در نظر گرفته است و از نظر مدلی نیز جزو اولین کارها در حیطه فقر شهری است که با ANP-FUZZY مدل سازی شده است.

مبانی نظری

فقر به صورتهای گوناگون تعریف شده است و مفهوم آن در طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. فقر را می توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم بندی نمود. در تعریف تانسند[۷] بر فقدان منابع برای کسب انواع رژیم های غذایی، مشارکت در فعالیتها و شرایط و امکانات معمو ل زندگی توجه شده است. سن[۸] فقر را به صورت محرومیت از قابلیتهای اساسی درنظرگرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر درمکانها وزمانهای مختلف، تاکید می‌کند. از نظر بانک توسعه آسیا، فقر محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی است که هرفرد مستحق آنها میباشد. بوتو روانتری[۹] به فقر از منظر فقرمطلق و نسبی توجه نموده و میان این دو تمایزقائل می شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می شود، تعریف شده است(خسروی نژاد،۱۳۹۰). فقر شهری، بیش از یک سده است که موضوع مورد بحث جامعه شناسان، اقتصاددانان و سیاست مداران است. به علت تمرکز فزاینده و تأسف بار فقر در شهرها، بحث بر سر علل، عواقب و نیز راه حل های مبارزه با آن به خصوص در دهه های اخیر، بسیار مورد علاقه بوده است(گارلی[۱۰]،۲۰۰۵). اگرچه دانشمندان و سیاست گذاران بر سر دلایل تمرکز فقر شهری، توافق ندارند اما

[7] .Townsand

[8]. Amartiya Kumar Sen

[9]. Booth & Rownetree

[10] . Gurley

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]

[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

درباره نتایج آن، ذهنیت مشترکی دارند. کتاب «معایب حقیقیت[۱۱]» اثر ویلسون[۱۲] که در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسید، باعث رونق تحقیقات و فعالیت ها در زمینه تأثیرات تمرکز فقر شهری گردید (کاپلان[۱۳] و همکاران، ۱۳۹۱).

فقر: محرومیت از قابلیتهای اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصتهای برابر است(Odekon,2010: 2) ، و در چندین جنبه از زندگی روزمره از قبیل درآمد کم، گرسنگی، زندگی در شرایط ناسالم، دسترسی ناکافی به خدمات اولیه، آسیب پذیری، محرومیت اجتماعی، سیاسی، حق رأی، ناامنی و ... تجلی یافته است (Simler et al,2003:1).

فقر پدیده ای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از فقدان تأمین حداقل نیازهای اساسی جهت زیستن و سیر به سوی سعدات ناشی می شود(یاسوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶).

فقر در مفهوم کلی، از طریق توجه به شاخص های آن در حوزه های اصلی زیر قابل تعریف است:

درآمد و هزینه، توزیع سرمایه و درآمد، دارایی ها و قابلیت و توانایی مصرف، نیازهای اساسی از جمله بهداشت آموزش و خدمات اجتماعی، خدمات پایه، از قبیل شبکه آب سالم، توزیع برق و سایر خدمات زیربنایی، خدمات درمانی، امنیت زندگی و داراییها، استاندارد زندگی در مقایسه با چشم داشتها و انتظارات، پذیرش و احترام از سوی جامعه، حق انتخاب و دستیابی به فرصت ها برای زندگی فردی و خانوادگی، درک و پاسخ به خواسته ها و صدای مردم و تامین نیازهای معنوی و غیرمادی(Jitsuchon,2001:9-box1). موضوع فقر و سنجش آن در متون اقتصاد توسعه جایگاه ویژه‌ای دارد و این جایگاه در دهه‌های اخیر در سیاستگذاری‌های اقتصادی کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه اهمیت بیشتری یافته است. اما فقر شهری پدیده‌ی چند بعدی است، که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران برای اندازه گیری آن با چالش‌های فراوانی مواجه هستند. رایج ترین روش برای سنجش فقر با استفاده از درآمد یا بر اساس میزان مصرف خانوار و توان مالی خانوار برای خرید است. اما مقولهٔ فقر شهری فراتر از اندازه گیری درآمد ساکنان آن است و کمبود سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه مالی را در بر می‌گیرد(Hidayah Chamhuri, 2012).

تئوری فقر و محرومیت شهری ابتدا در آمریکا(دهه ۱۹۶۰) در پاسخ به شورش‌های ساکنان گتوهای سیاهپوست نشین بخش مرکزی شهرها مطرح شد. سپس در انگلیس در دهه ۱۹۷۰ و به ویژه به دنبال شورش‌های غیر سفیدی بخش مرکزی شهرهای لیورپول، لندن تحت عنوان آسیب شناسی اجتماعی محرومیت شهری ظهور یافت. مسائلی از قبیل اقلیت‌های نژادی، وضعیت مرکز شهر، مسائل تدارک امکانات اجتماعی از قبیل آموزش، بهداشت و توزیع از جنبه های تئوری محرومیت شهری هستند(رهنما، ۱۳۸۸ : ۱۶۳). این تئوری الگوی برنامه‌ریزی اجتماعی را برای احیاء این واحدها پیشنهاد می نماید(رهنما، ۱۳۸۸ : ۱۶۴).

تجزیه و تحلیل فقر شهری (UPA) به عنوان فرایند جمع آوری ، تجزیه و تحلیل و ارائه اطلاعات در مورد میزان، مکان و شرایط فقر در یک شهر معین تعریف شده است(Baker and et al,, 2004: 2). متمایز کردن

[11]. The Truly Disadvantaged

[12]. Wilson

[13]. Kaplan

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]

[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

فقرا از افراد غیر فقیر (و اندازه های نسبی این گروه ها)، شناسایی ویژگی های آنها، تسهیل روند شناسایی محل فقرا و برجسته کردن گروه هایی که ممکن است به ویژه در برابر فقر آسیب پذیر باشند (یعنی زنان سرپرست زن ، مهاجران ، جوانان و غیره) از اولین امور مربوط به تجزیه و تحلیل فقر شهری است(Baker and et al,, 2004: 3).:). یک پروفیل فقر شهری، بوسیله ابزار فضایی و با تعیین محدوده وماهیت فقر در یک ناحیه خاص، تعریف می شود. تهیه نقشه دقیق از محل زندگی افراد فقیرنشین و محل تمرکز آنها در درون شهرها، یک ابزار و ورودی مهم برای تهیه پاسخهای مناسب است(همان: ۵). اطلاعات مکانی الگوهای کاربری اراضی، محل زاغه، تعیین موقعیت کالبدی تأسیسات از طریق سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) نیز ورودی های حیاتی هستند(Baker and et al,, 2004: 5).

رویکردهای تحلیلی فقر شهری

نظریه نئوکلاسیک

از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، با احیای مکتب نئوکلاسیک و نیز ایجاد مکتب پولی، نظام سرمایه داری لیبرال جانی تازه گرفت. گروهی از طرفداران مکتب نئوکلاسیک، در دهه های اخیر، از توزیع مجدد درآمد به نفع فقیران جانبداری می کنند؛ اما اغلب آن ها مدعی اند که سیستم قیمت ها، خود، موجب گسترش فرصت های شغلی و افزایش درآمد فقیران خواهد شد .اقتصاددانان مکتب پولی، در اصول، با نئوکلاسیکها خویشاوندی نزدیک دارند؛ اما اغلب با چشم پوشی از موضوع توزیع درآمد، آرزو می کنند که این موضوع، هرگز مطرح نشود .آن ها با این ادعا که فلاسفه دربارهٔ ماهیت توزیع بهینهٔ درآمد توافق ندارند، نتیجه می گیرند که از کارشناس اقتصادی کاری ساخته نیست و بهتر است همه چیز را به حال خود بگذارند(عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۱).

دیدگاه بوم شناسی(اکولوژی)شهری درباره‌ی فقر

جانبداران این دیدگاه، فقر در نواحی شهری نظیرگتوها را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داد ه اند. نظریه پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گرو ههای مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله ها ساکن شوند، این نواحی باز هم فقیر باقی خواهد ماند؛ بنابراین مشکل این محله های فقیرنشین، نواحی خاص آنهاست، نه افرادی که در این نواحی ساکن اند(افروغ، ۱۳۷۷: ۹۶).

دیدگاه رادیکال

در دیدگاه رادیکال، فقر به طور ریشه ای ناشی از اوضاع ساختار اقتصاد سیاسی است که در ارتباط های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی متبلور می شود. براساس این دیدگاه، مشارکت همگانی و حرکت برای آزادی، دموکراسی، رفاه و عدالت، زمینه را برای به قدرت رسیدن دولت هایی با سوگیری توسعهٔ همگانی و مهار ریشه ای فقر فراهم می آورد(رئیس دانا و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸). جغرافیای رادیکال، با بهره‌گیری از سنت انتقادی رادیکال نقدی محکم بر تفکرات جغرافیدانان لیبرال اروپایی و امریکایی وارد می سازد چراکه نتوانسته اند مسائل جغرافیایی را ریشه یابی اساسی کنند(شکوئی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). امروزه، به علت معضلاتی مانند فقر، بیماری، بیکاری و آلونک نشینی در جهان سوم، نظریات اجتماعی ارائه شده دربارهٔ شهرنشینی و شهرگرایی، از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

رادیکالیسم تأثیر بیشتری می پذیرد(شکوئی، ۱۳۷۳: ۴۲۲). جانبداران این دیدگاه با بررسی ساختارهایی که فقر را به وجود می آورد. درصدد مقابلهٔ ریشه ای با مسائل پدید آورنده‌ی فقر هستند.

نظریه‌ی کارکردگرایی و فقر

کارکردگرایی نظری های کاملاً محافظه کارانه محسوب می شود. این نظریه، در تحلیل آسیبهای اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود یا هنجارهای حاکم، دشوار یها و آسیبهای اجتماعی ر ا ناشی از مشکلات افراد قلمداد می کند. به همین دلیل، مثلاً در تحلیلی از تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیشتر آسیب های اجتماعی، مشکل را عمدتاً متوجه فقر فرهنگی می داند. فقر فرهنگی به معنای مجموعه عواملی همچون بیسوادی یا کم سوادی والدین، تمایل نداشتن به استفاده از امکانات متوسط زندگی شهری است. بنابراین به وضعیت اجتماعی در محله های فقیرنشین و توزیع ناعادلانهٔ امکانات در شهر و روستا، توجه چندانی نمی کند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲) در این پژوهش با استفاده از ۱۷ معیار اساسی به پهنه بندی و تحلیل فضایی فقر در شهر مشهد پرداخته شده است.

روش تحقیق

محدوده مورد مطالعه

مشهد شهری در شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. این شهر بین عرض‌های ۳۵ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۷ دقیقه شمالی و طول ۵۹ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۸ دقیقه شرقی واقع‌شده است. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۹۸۵ متر و وسعت آن حدود ۲۸۸ کیلومترمربع است. این شهر در دشت مشهد در حدفاصل رشته‌کوه‌های کپه داغ و بینالود واقع‌شده است. موقعیت دشتی و مکان گزینی این شهر درزمینه ای مسطح امکان گسترش شهر را در اطراف فراهم آورده است. عامل طبیعی که رشد این شهر را محدود می‌کند مناطق مرتفع و کوهستانی رشته‌کوه بینالود در غرب و جنوب غرب شهر است. از سوی دیگر این شهر از شمال غرب با زمین‌های بایر و از شمال، شمال شرق، شرق و جنوب شرق عمدتاً با اراضی کشاورزی هم‌جوار است. ازنظر جمعیتی، در نخستین سرشماری رسمی ایران (۱۳۳۵) مشهد با جمعیت ۲۴۱۹۸۹ نفر، چهارمین شهر پرجمعیت ایران بوده است. در سرشماری سال ۱۳۹۵ مشهد دارای جمعیتی معادل ۳۰۰۱۱۸۴ نفر بوده است. مقایسه نقشه‌های شهر در دوره‌های اخیر نشان می‌دهد که جهت غالب رشد شهر به سمت شمال غرب بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

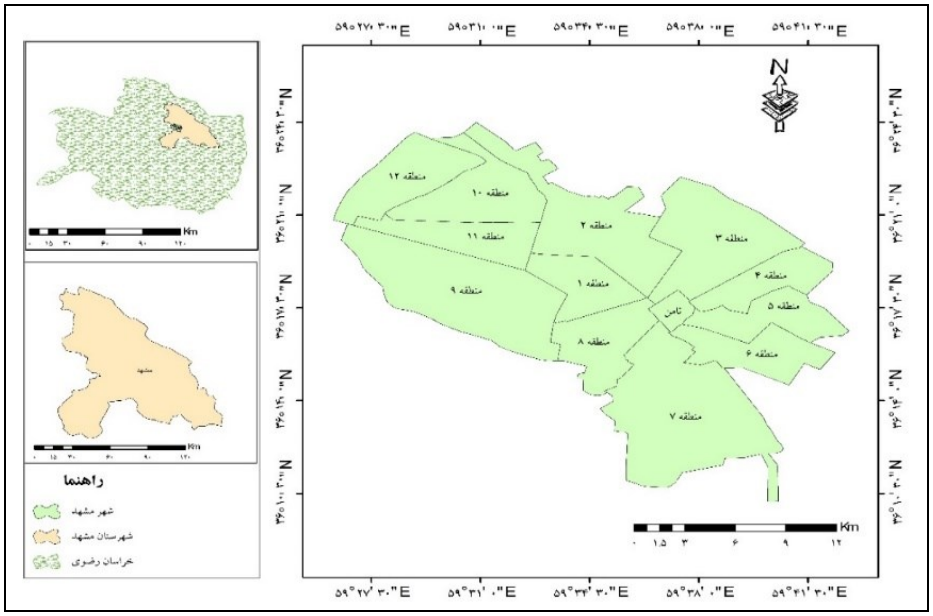

شکل(۱). منطقه مورد مطالعه

روش شناسی

تحقیق حاضر از حیث ماهیت توصیفی- تحلیلی، به روش پیمایشی و اسنادی و از نوع کاربردی- توسعه ای است. اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق پرسشنامه تهیه گردید. با توجه به جمعیت شهر مشهد در سال ۱۳۹۵ که معادل ۳۰۰۱۱۸۴ نفر است، پرسشنامه به حجم نمونه ۳۸۴ تهیه و میان شهروندان مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد توزیع شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل شبکه‌ای(ANP) استفاده گردید، برای وزن دهی شاخص ها از ۲۰ کارشناس متخصص در زمینه ی مربوطه کمک گرفته شده است. در ادامه توضیحات بیشتری در مورد مدل های استفاده شده در تحقیق ارائه می شود.

مراحل تحلیل فرایند شبکه ای (ANP)

مرحله اول: ساخت مدل؛ سازماندهی مساله: پایه‌ریزی مدل وساختار مسئله موضوع موردبررسی باید به یک سیستم منطقی مانند شبکه تبدیل شود این ساختار شبکه‌ای رامی‌توان به کمک یکی از این شیوه‌ها به دست آورد: طوفان مغزی (از روش های حل مسئله در گروه و به معنی تشویق ابتکار است و برای به حرکت در آوردن قوه خلاقیت و به کارگیری چندفکر استفاده می شود) و یا روش دلفی، ویا روش اسمی که در آن اعضای گروه، بدون این که نظر هیچ یک بردیگری تحمیل شود، درباره موضوع مورد نظر بحث می‌کنند ودر نهایت به اجماع می‌رسند. در این مرحله، مسئله مورد نظر به ساختاری شبکه‌ای که در آن گره‌ها به عنوان خوشه مطرح‌اند، تبدیل می‌شود. همان گونه که در نمودار B در شکل آمده عناصر درون خوشه ممکن است با یک یاتمامی عناصر خوشه‌های دیگر ارتباط داشته باشند(تحت تاثیر آنها باشند ویابرآن‌ها تاثیر بگذراند). این ارتباط‌ها (وابستگی بیرونی) با پیکان نشان داده می‌شوند. همچنین ممکن است عناصر درون شبکه بین خودشان دارای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

ارتباط متقابل باشند(وابستگی درونی) که این گونه ارتباط‌ها در شکل به وسیله کمان متصل به خوشه نشان داده می‌شود(زبر دست،۱۳۸۹:۸۱).

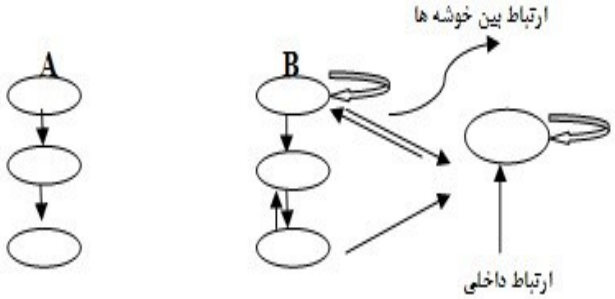

شکل(۲). تفاوت ساختار سلسله مراتبی (A) وتحلیل شبکه ای (B)

مرحله دوم: ماتریس مقایسه های زوجی نسبت به هدف: در این مرحله وابستگی‌های متقابل ومقایسه‌های زوجی میان همه خوشه‌ها یا عناصرتنظیم می‌گردد. برای ایجاد بردارهای مشخصه و شکل‌دهی ابر ماتریس مقایسه‌های زوجی زیر انجام می‌شود:

مقایسه‌های خوشه‌ای: برای خوشه‌هایی که بریک خوشه معین تاثیر می‌گذارند. و با یک معیار مقایسه می‌شوند. وزن‌های حاصل از این فرایند برای وزن‌دهی عناصر درستون‌های بلوک (عناصر یک خوشه در ستون‌های ابرماتریس بلوک راتشکیل می‌دهند)که به ابرماتریس مربوط می‌شوند استفاده خواهند شد.

مقایسه های عناصر: مقایسه‌های زوجی درموردعناصردرون خوشه‌ها انجام می‌گیرد. عناصر یک خوشه برحسب تاثیرآن‌ها روی یک عنصردرخوشه دیگر یادرهمان خوشه، باعنصری که به آن مرتبط هستند مقایسه می‌شوند.

مرحله سوم: تشکیل ابر ماتریس (ماتریس تصمیم): ماحصل فرایندبالا، ابرماتریس«غیرموزون» است. این ماتریس مقایسات زوجی معیارها را نشان می‌دهد. درماتریس غیرموزون، ستون‌ها می‌توانند احتمالی (تصادفی) نباشند. بلوک‌های ابرماتریس غیر موزون در الویت خوشه مربوط به‌خودضرب می‌شوند و ماتریس تصادفی را شکل می‌دهند. این ماتریس (ماتریس تصادفی)ماتریسی است که جمع ستون‌های آن برابریک است. ابرماتریس به دست آمده آنقدربه توان‌های بالا برده می‌شود تاجایی که تفاوت میان عناصر متوالی ماتریس، به طوری که تفاوتی بین عناصر ابر ماتریس به توان k به ابرماتریس k+1 نباشد. جهت تحصیل الویتهای نهایی تمام عناصر در ماتریس نهایی، هربلوک نرمالیزه می‌شود. در نهایت بالاترین اولویت‌ها انتخاب می‌شوند(زیاری و همکاران،۱۳۸۶:۱۲۹).

مرحله چهارم: محاسبه بردار وزن نهایی: اگر ابرماتریس به دست آمده درگام سوم کل شبکه را پوشش دهد، وزن گزینه‌ها و عناصر خوشه‌های مختلف را می‌توان در ستون‌های مربوطه در ابر ماتریس حدی یافت و اگر ابر ماتریس کل شبکه را پوشش نداده و فقط ارتباطات داخلی بین خوشه‌ها را شامل شود، مشابه این محاسبات می‌بایست ادامه یابد تابردار اولویت نهایی گزینه‌ها استخراج گردد.

ارتباط و همبستگی در ANP: بعد از این که دسته‌های شبکه مشخص شدند، آنها باید به یکدیگر متصل شوند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

که این اتصال براساس نوع ارتباط عناصر داخلی آنها صورت می‌گیرد. اساس منطق ANP براین پایه استواراست. که بتوانیم روابط و اثرات ملاک‌ها و دسته‌ها رابریکدیگر وارد مسئله نمائیم، در این هنگام باید هرعنصر درون یک گروه را به عناصر دیگری که چه در داخل همان گروه وچه در داخل گروه‌های دیگر موثر است را مشخص کرده و عنصر مبدا را به آن عناصر متصل کنیم. به طورکلی دو نوع وابستگی اصلی در هر شبکه می‌تواند وجود داشته باشد:

۱- وابستگی میان خوشه‌ها به طوری که هرخوشه می‌تواندبا خوشه دیگر در هرسطح تصمیم‌گیری دارای ارتباط متقابل و بازخوردی باشد.

۲- وابستگی میان عناصر خوشه‌ها به گونه‌ای که هر عنصر در هر خوشه می‌تواند با تمامی عناصر موجود در دیگر خوشه‌ها وابستگی داخلی داشته باشد و حتی عناصر درون یک خوشه نیز می‌توانند با یکدیگر وابستگی داشته باشد.

نتایج

با توجه به هدف این پژوهش که تحلیل فضایی فقر شهری در شهر مشهد مد نظر می باشد با استفاده از داده های اجتماعی و جمعیتی و همچنین کاربری اراضی شهری و... در محیط نرم افزار GIS به تحلیل و بررسی پرداخته شد و در نهایت یافته هایی به صورت نقشه و توضیحات بدست آمد که در ادامه پژوهش ارائه می شود.

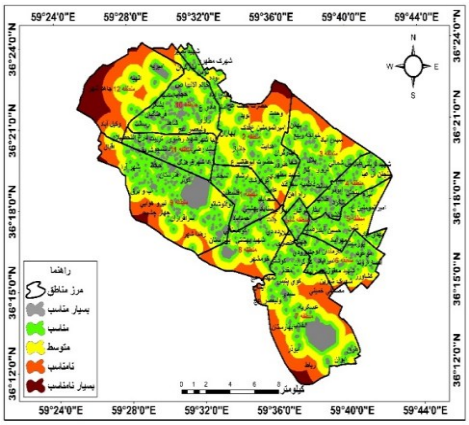

شکل(۳). وضعیت دسترسی به مراکز آموزشی

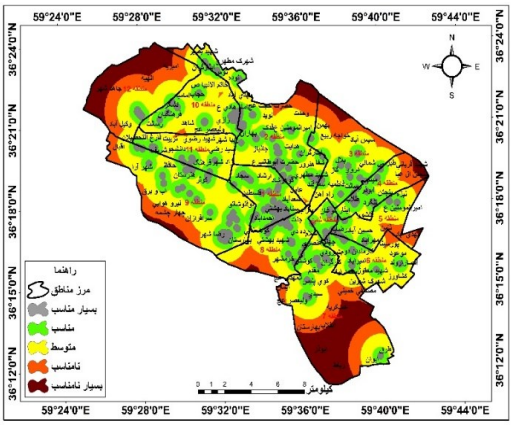

شکل(۴). وضعیت دسترسی به مراکز درمانی

باتوجه به شکل(۳) مناطق مرکزی از نظر شاخص وضعیت دسترسی به مراکز آموزشی دارای شرایط مناسب و پرااکندگی خوبی هستند. از جمله مناطق دارای وضعیت نامناسب منطقه ۱۲ می باشد که از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همانطور که در شکل(۴) مشاهده می شود مناطق۱، ۲، ۹، ۱۱و منطقه ثامن از شرایط بسیار خوبی از نظر قرار گیری مراکز درمانی می باشد و مناطق۱، ۲، ۷ و حاشیه مناطق مرزی از وضعیت نامناسب و بسیار نامناسب برخوردار می باشند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

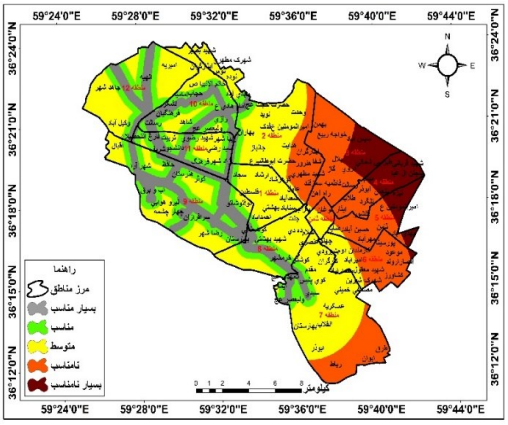

شکل(۵). وضعیت دسترسی به شبکه اصلی انتقال آب

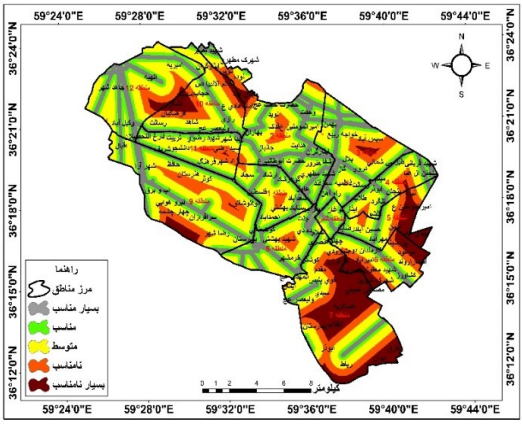

شکل(۶). وضعیت نزدیکی به شبکه تغذیه گاز شهری

با توجه به شکل(۵) شبکه اصلی آب شهر مشهد در قسمت شمال غرب و غرب شهر از وضعیت مطلوبی برخوردار می باشد. مناطق ۳، ۴، ۵، ۶ و۷ از مناطق دارای دسترسی نامناسب می باشد. همانطور که در شکل(۶) مشاهده می شود پراکنش خطوط تغذیه گاز شهری در سطح شهر مشهد از وضعیت نرمال و مطلوبی برخوردار می باشد. مناطق۵، ۶، ۷ از جمله مناطقی می باشند که دارای شرایط تغذیه نامناسبی می باشند.

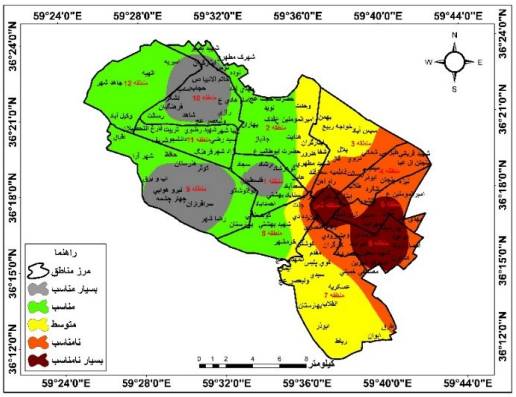

شکل(۷). وضعیت معیار باسوادی

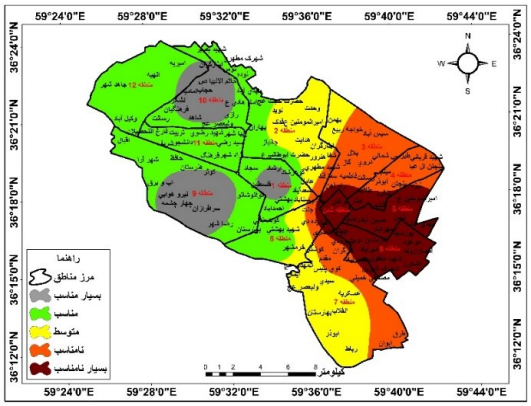

شکل(۸). وضعیت معیار بی سوادی

با توجه به شکل(۷) پراکنش فضایی شاخص باسوادی در سطح شهر مشهد از وضعیت مطلوبی برخوردار می باشد. مناطق۱، ۹ و۱۰ از جمله مناطق دارای سطح باسوادی بسیار بالا و مناطق۵ و ۶ قسمت هایی از منطقه ثامن از وضعیت بسیار نامناسب برخوردار می باشند. شکل(۸) پراکنش فضایی شاخص بی سوادی در سطح شهر مشهد را نشان می دهد. مناطق۱، ۹ و۱۰از جمله مناطق دارای سطح بیسوادی بسیار پایین و مناطق۵ و ۶ و قسمت های از منطقه ثامن دارای بیشترین میزان بی سوادی می باشند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

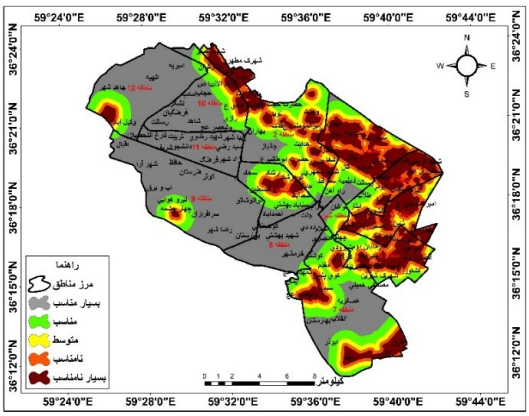

شکل(۹). فاصله از مراکز حاشیه نشین شهری

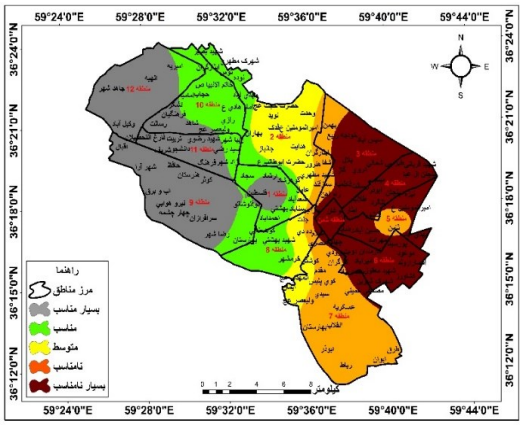

شکل(۱۰). وضعیت اسکلت سازه ای بناهای شهری

همانطور که در شکل(۹) مشاهده می‌شود مساکن غیر رسمی شهر مشهد به طور عمده در قسمت‌های شرق و شمال شرق شهر در مناطق۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ قرار گرفته است که این مناطق از نظر زیر ساخت‌های مدرن پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است. همانطور که در شکل(۱۰) مشاهده می‌شود وضعیت اسکلت سازه‌ای بناهای شهری به طور عمده در قسمت‌های غرب و شمال غرب شهر(شامل مناطق ۱۲،۱۱،۹ و بخشی از منطقه ۱) از شرایط بسیار مناسب برخوردار می باشد و مناطق۳، ۴، ۵، ۶ و منطقه ثامن از وضعیت نامناسب و بسیار نامناسبی برخوردارند.

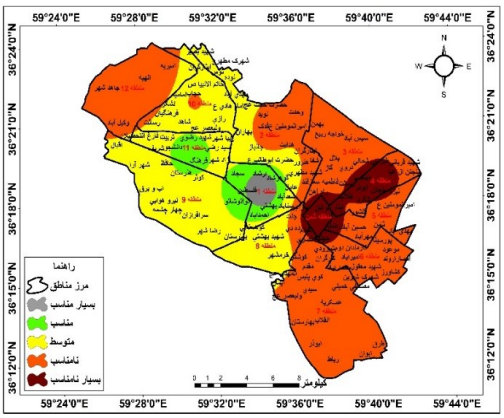

شکل(۱۱). وضعیت مالکیت مسکن

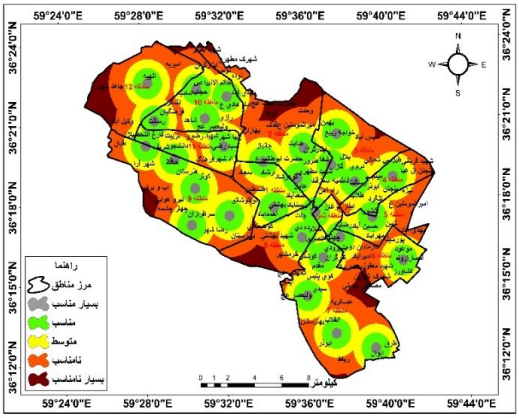

شکل(۱۲). وضعیت دسترسی به مراکز اصلی مخابرات

مالکیت مسکن یکی از شاخص های است که اگر مالکیت آن شخص باشد در کاهش فقر نقش بسیار موثری دارد. با توجه به شکل(۱۱) پراکنش فضایی وضعیت مالکیت مسکن در سطح شهر مشهد در طبقه متوسط قرار گرفته است. قسمت های شرق و جنوب شرقی و همچنین قسمتی از منطقه ۱۲ از وضعیت نامطلوبی برخوردار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

می باشد. با توجه به شکل(۱۲) پراکنش فضایی مراکز اصلی مخابرات در شهر مشهد از مرکز شهر به سمت حاشیه های شهر کاهش می یابد و عمده ی مراکز مخابرات در قسمت های مرکزی واقع شده است.

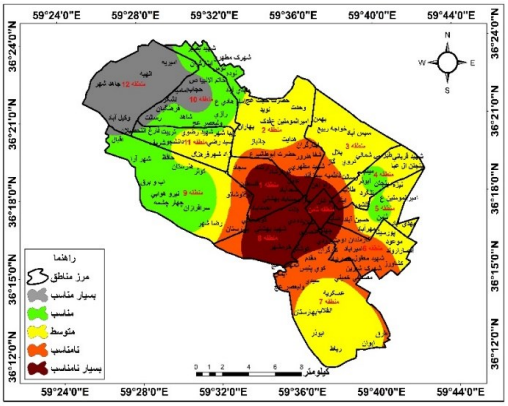

شکل(۱۳). وضعیت معیار فوت همسر

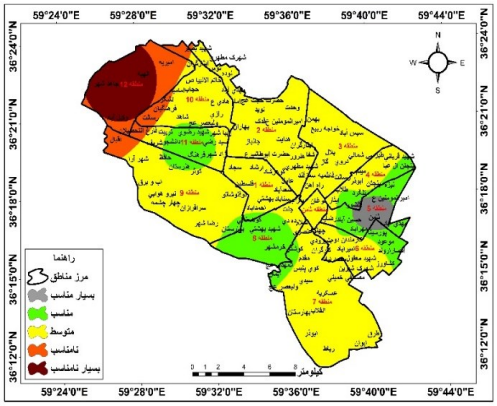

شکل(۱۴). وضعیت معیار طلاق

با توجه به شکل(۱۳) وضعیت فوت همسر در مناطق۱ و ۸ و منطقه ثامن بسیار نامناسب و منطقه ۱۲ از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار می باشد و همچنین منطقه ۹ و بخشی از مناطق۴، ۵، ۱۱از شرایط مناسبی از نظر معیار فوت همسر برخوردار می باشد. با توجه به شکل(۱۴) پراکنش فضایی وضعیت طلاق در سطح شهر در وضعیت متوسط قرار دارد. منطقه ۱۲ از نظر معیار طلاق از وضعیت بسیار نامناسب و بخش های از مناطق۵، ۸، ۱۱ از شرایط مناسبی برخوردار می باشد.

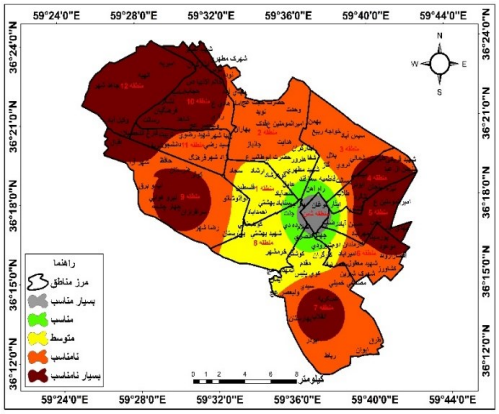

شکل(۱۵). وضعیت معیار مجردان

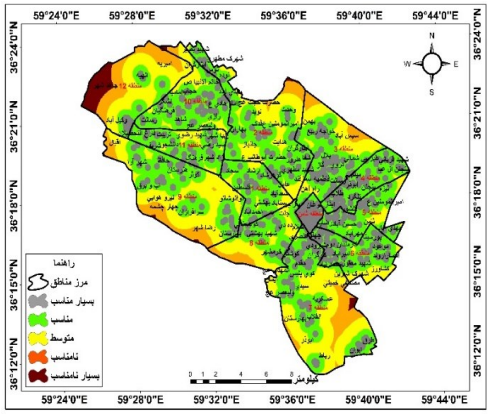

شکل(۱۶). وضعیت دسترسی به مراکز فرهنگی

همانطور که در شکل (۱۵) مشاهده می‌شود پراکنش فضایی وضعیت مجردان در سطح شهر از شرایط نامناسب و بسیار نامناسبی برخوردار می باشد و تنها در منطقه ثامن وضعیت معیار مجردان دارای شرایط مناسبی می باشد. همانطور که در شکل (۱۶) مشاهده می شود عمده مراکز فرهنگی در منطقه ثامن قرار گرفته است که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

حرم مطهر امام رضا(ع) نیز در این منطقه قرار گرفته است سایر مناطق شهر با مرکزیت بسیار مناسب و مناطق حاشیه ای نامناسب پراکنش تقریبا متعادلی را رقم زده است.

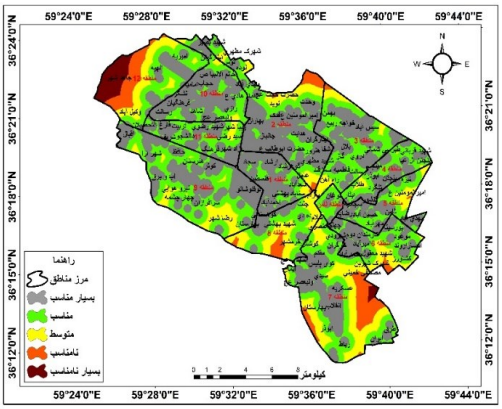

شکل(۱۷). وضعیت دسترسی به مراکز تفرحی

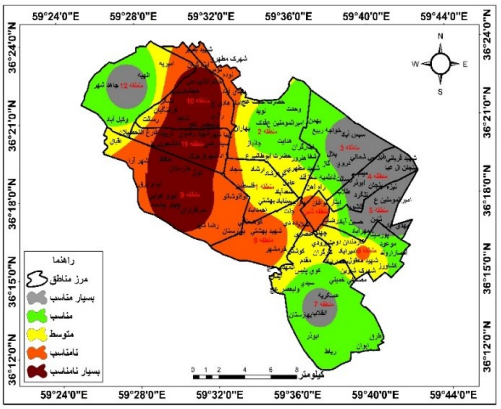

شکل(۱۸). وضعیت معیار بیکارن

با توجه به شکل (۱۷) مراکز تفریحی شهر مشهد عمدتا در منطقه۱، ۲، ۱۰، ۱۱ قرار گرفته است سایر مناطق شهر نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده به جز قسمت های از مناطق حاشیه ای۷، ۸، ۱۲ که در وضعیت مناسبی قرار ندارند. با توجه به شکل (۱۸) وضعیت بیکاران در مناطق۹، ۱۰، ۱۱ از وضعیت بسیار نامناسبی برخورداراند و مناطق۳، ۴، ۵ از وضعیت مناسبی از نظر معیار بیکاران برخورداراند.

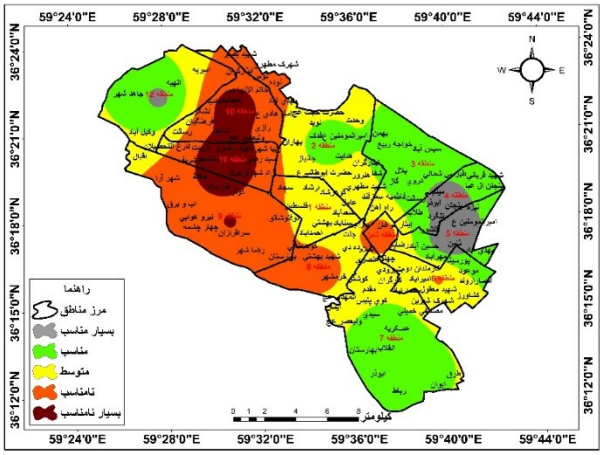

شکل (۱۹). وضعیت معیار شاغلان

با توجه به شکل(۱۹) وضعیت شاغلان در مناطق مناطق۴ و ۵ بسیار مناسب و مناطق ۱۰،۱۱ و ۹ از نظر وضعیت شاغلان در سطح بسیار نامناسبی می باشند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

نتیجه گیری

فقر شهری، به عنوان یکی از گونه‌های فقر، معضلی چندبعدی است که افراد را با محدودیت‌های بسیاری از جمله: دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی و درآمدی، عدم بهره‌مندی از مسکن و خدمات مناسب، محیط-های ناسالم و خشن و عدم بهره مندی از خدمات تأمین اجتماعی و سازوکارهای حمایتی بهداشتی و آموزشی، مواجه می کند. فقر، پایداری شهرها را در ابعاد اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و امنیتی، تهدید می کند. هدف پژوهش حاضر بررسی پهنه بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل های مکانی و فرآیند تحلیل شبکه ای ANP در شهر مشهد بود که با جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مدنظر، نقشه نهایی از تلفیق و هم پوشانی ۱۷ معیار موثر در پهنه بندی فقر شهری به دست آمد. نقشه نهایی شکل(۲۰) از تلفیق و هم پوشانی معیارهای موثر در پهنه بندی فقر شهری به دست آمده است؛ که بر اساس موضوع مورد بررسی یعنی پهنه بندی عرصه های فقر شهری در شهر مشهد در پنج طبقه بسیار مناسب، مناسب، متوسط، نامناسب و بسیار نامناسب دسته بندی شده است. براساس نقشه نهایی ۳۳,۰۵ درصد معادل ۱۰۲۵۵۸۶۰۰مترمربع از سطح شهر، وضعیت بسیار مناسبی را از لحاظ معیارهای مورد بررسی در راستای پهنه بندی فقر شهری ، دارا می باشند که در نقشه نهایی شکل(۲۰) رنگ خاکستری در محدوده های فلسطین، سجاد، گوهرشاد، رازی، بهاران، ولیعصر، فارغ التحصیلان، حافظ، ایثارگران و... قابل مشاهده است. همچنین طبقه دوم که نشانگر وضعیت مناسب می باشد، نیز دارای وسعت ۵۸۲۰۶۶۰۰ مترمربع، معادل ۱۸,۷۵درصد است که در نقشه نیز با رنگ سبز کمرنگ در قسمت های مختلف شهر از شاهد، الهیه، جانباز، تربیت، هنرور و ... قابل مشاهده است. طبقه سوم که دارای شرایط متوسطی می باشد، از لحاظ وسعت ۵۹۸۴۹۱۰۰ مترمربع معادل ۱۹,۲۸درصد را در بر می‌گیرد. این طبقه در محدوده‌های مختلف شهرراه آهن، طبرسی شمالی، وحدت، امیرآباد، کشاورز، موعود ، با رنگ زرد دیده می‌شود. طبقه چهار که شرایط نامناسب دارا است؛ دارای وسعت ۲۶۲۷۷۳۰۰ مترمربع معادل ۸,۴۶ درصد است. این محدوده با رنگ نارنجی در نقشه نهایی مشخص است که شامل قسمت-های سیس آباد، ایوان و بخش هایی از منطقه ۷ و ... قابل مشاهده می باشد. طبقه پنج که وضعیت بسیار نامناسب را شامل می‌شود؛ دارای وسعت ۶۳۴۰۳۲۰۰ مترمربع معادل ۲۰,۴۳ درصد است. این طبقه با رنگ قهوه ای در قسمت های جاهدشهر، ابوذر، رباط، انقلاب، بهارستان، پمجتن آل عبا، شهید قربانی و مهدی آباد و ... محدوده قابل مشاهده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

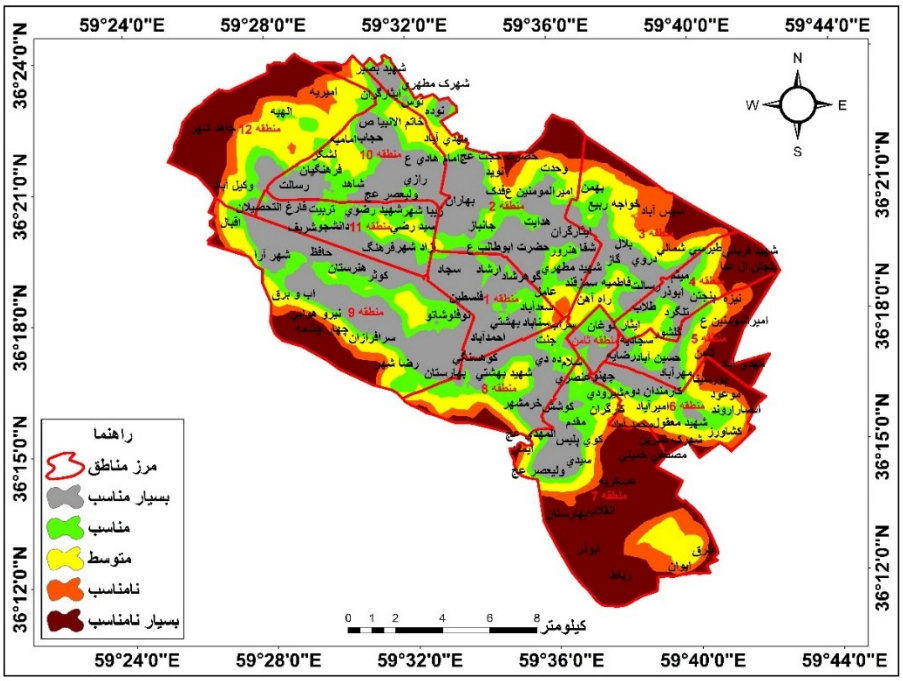

شکل(۲۰). نقشه نهایی پهنه بندی فقر شهری در منطقه ی مورد مطالعه

بر این اساس، پهنه بندی عرصه های فقر شهری در شهر مشهد در پنج طبقه بسیار مناسب، مناسب، متوسط، نامناسب و بسیار نامناسب دسته بندی شد. براساس شکل(۲۰) ۳۳/۰۵ درصد معادل ۱۰۲۵۵۸۶۰۰مترمربع از سطح شهر مشهد، وضعیت بسیار مناسبی را از لحاظ معیارهای مورد بررسی در راستای پهنه بندی فقر شهری، دارا می باشند که در نقشه نهایی با رنگ خاکستری در محدوده های فلسطین، سجاد، گوهرشاد، رازی، بهاران، ولیعصر، فارغ التحصیلان، حافظ، ایثارگران و ... قابل مشاهده است. دومین طبقه که نشانگر وضعیت مناسب می باشد، دارای وسعت ۵۸۲۰۶۶۰۰ مترمربع، معادل ۱۸/۷۵ درصد است که در نقشه با رنگ سبز کمرنگ در قسمت های مختلف شهر از شاهد، الهیه، جانباز، تربیت، هنرور و ... قابل مشاهده است. طبقه سوم که دارای شرایط متوسطی می باشد، از لحاظ وسعت ۵۹۸۴۹۱۰۰ مترمربع معادل ۱۹/۲۸ درصد را در بر می گیرد. این طبقه در محدوده های مختلف شهر شامل راه آهن، طبرسی شمالی، وحدت، امیرآباد، کشاورز و موعود با رنگ زرد دیده می‌شود. چهارمین طبقه که شرایط نامناسب را دارا است؛ دارای وسعت ۲۶۲۷۷۳۰۰ مترمربع معادل ۸/۴۶ درصد است. این محدوده با رنگ نارنجی در نقشه نهایی مشخص است که شامل قسمت های سیس آباد، ایوان و بخش هایی از منطقه ۷ و ... قابل مشاهده می‌باشد. پنجمین طبقه گویای وضعیت بسیار نامناسب فقر شهری است؛ این محدوده دارای وسعت ۶۳۴۰۳۲۰۰ مترمربع معادل ۲۰/۴۳ درصد است. این طبقه با رنگ قهوه ای در قسمت های جاهدشهر، ابوذر، رباط، انقلاب، بهارستان، پنجتن آل عبا، شهید قربانی و مهدی آباد و... قابل مشاهده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

منابع

افروغ، عماد. (۱۳۷۷). **فضا و نابرابری اجتماعی، ارائهٔ الگویی برای جدایی، گزینی و پیامدهای آن**، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. چاپ اول.

بمانیان؛ محمدرضا، رضایی راد؛ هادی، رضایی؛ مجید منصور. (۱۳۹۰). **ارزیابی خصیصه های اقتصادی در شناسایی گستره های فقر شهری با استفاده از تکنیک های Delphi و AHP (مطالعه موردی : شهر کاشمر)** ، دو فصلنامه مدیریت شهری، ۹: ۱۶۶- ۱۵۳.

جلالی؛ محسن. (۱۳۹۴). **رویکردی تحلیلی در بررسی فقر در ایران**، فصلنامه روند، ۲۲(۶۹): ۶۶- ۴۳.

جواهری؛ حسن، حاتمی نژاد؛ حسین، زیاری؛ کرامت الله، پوراحمد؛ احمد. (۱۳۹۳). **رویکرد فازی و پهنه بندی فقر چندبعدی در فضاهای شهری، نمونه موردی : شهر کامیاران**، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۴(۱۳): ۳۰- ۱۳.

حیدری؛ محمد، سامی؛ ابوالفضل. (۱۳۹۱). **تأمین حداقل معاش(خط فقر) خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان رضوی با استفاده از سیستم مخارج خطی با شکل گیری عادت**، فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۳(۱۰): ۸۹- ۵۷.

خداداد کاشی، فرهاد، حیدری، خلیل و فریده باقری. (۱۳۸۴). **برآورد خط فقر در ایران طی سال های ۱۳۶۳ - ۱۳۷۹** ، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴(۱۷): ۱۶۳ – ۱۳۷.

خسروی نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۰). **برآورد فقر و شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی**، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، ۶(۱۸): ۶۰- ۳۹.

خلج؛ سکینه، یوسفی؛ علی. (۱۳۹۳). **پهنه بندی توزیع و شدت فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران**، برنامه ریزی و آمایش فضا، ۱۸(۵۵): ۳۹- ۲۳.

راغفر، ح. و ابراهیمی. (۱۳۸۶). **اندازه گیری آسیب پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران: یک روش شناسایی خانوارهای محروم**، فصلنامهٔ رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۸): ۴۲۷ – ۳۸۹.

رضی؛ داود، محمدی؛ شعبان. (۱۳۹۳). **بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر فقر، بررسی موردی: روستاهای جوکار**، دومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی، تهران، سالن همایشهای دانشگاه تهران.

روستایی؛ شهریور، احدنژاد روشتی؛ محسن، اصغری زمانی؛ اکبر، زنگنه؛ علیرضا. (۱۳۹۱). **توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه**، فصلنامه علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۵): ۹۱- ۷۱.

رهنما، محمد رحیم. (۱۳۸۸). **برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها(اصول، مبانی، تئوریها، تجربیات و تکنیکها)**، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. چاپ اول.

رئیس دانا، فریبرز؛ شادی طلب، ژاله؛ پیران، پرویز. (۱۳۷۹). **فقر در ایران(مجموعه مقالات)**،تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.

ستاوند محمد هادی، حاجی زاده فاضل، یغفوری حسین. (۱۳۹۸). **واکاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات عمومی**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۱۹ (۵۲) :۱۹۲-۱۷۱.

شارع پور، محمود. (۱۳۹۱). **جامعه شناسی شهری** ، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

شکوئی، حسین. (۱۳۸۲). **اندیشهٔ نو در فلسفهٔ جغرافیا(فلسفهٔ محیطی و مکتب های جغرافیایی)**، تهران: انتشارت سمت، چاپ اول.

شکوئی،حسین. (۱۳۸۳). **دیدگاه های نو در جغرافیای شهری**،تهران: انتشارت سمت، چاپ هفتم.

عزیزی؛ منصور، موحد؛ علی، ساسانپور؛ فرزانه، کرده؛ نعمت. (۱۳۹۳). **تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی : شهر مهاباد)**، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۳(۹۰): ۶۹- ۶۰.

کاپلان، دیوید. اچم جیمز، ا. ویلرم استیون آر، هالووی. (۱۳۹۱). **جغرافیای شهری** ، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عبدالمطلب برات نیا، تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.

کرده، نعمت؛کریمی، احمد. (۱۳۹۲). **فقر شهری رویکردها و راهبردها**، کنفرانس بین المللی توسعه پایدار، ۲۷ - ۲۸ آذر، تبریز، دانشگاه آزاد تبریز.

محمدزاده، پرویز، فلاحی، فیروز، حکمتی فرید، صمد. (۱۳۸۹). **بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور**، فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی، ۱(۲): ۶۴- ۴۱.

موحد؛ علی، ولی نوری؛ سامان، حاتمی نژاد؛ حسین، زنگانه؛ احمد، کمانرودی کجوری؛ موسی. (۱۳۹۵). **تحلیل فضایی فقر شهری در کلان شهر تهران**، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۴(۱۵): ۳۶- ۱۹.

میرزازاده حجت، پریزادی طاهر. (۱۳۹۷). **توسعه منطقه ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۸ (۵۰): ۱۷۹-۱۹۸.

یاسوری مجید، امامی سیده فاطمه. (۱۳۹۷). **سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی(نمونه موردی: دهستان سراوان شهرستان رشت)**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۸(۴۸): ۱۱۴- ۹۵.

Baker, j; Schuler, N. (2004), **Analyzing Urban Poverty A Summary of Methods and Approaches,** word bank, Policy Research Working Paper, Report Number 3399.

Brenner, N. (2009). **What is critical urban theory?** City, (13): 198-207.

Curley, A. (2005). **Theories of urban poverty and implications for public housing policy**. The journal of sociology & social welfare, 32(2): 97-119

Duclos, J. Y., & Araar, A. (2007). **Poverty and equity: measurement, policy and estimation with DAD** , Springer Science & Business Media, 102 p.

Eduardo Marques, (2015), **urban poverty, Segregation and social networks in Sao Paulo and Salvador, Brazil**, International Journal of urban and regional research, 39(6): 1067-1083.

Elhadary, Y. A. E., & Samat, N. (2012). **Political economy and urban poverty in the developing countries: Lessons learned from Sudan and Malaysia**, Journal of geography and Geology, 4(1), 195-212.

George C.Galster, (2016), **Consequences from the redistribution of urban poverty during the 1990s**: A cautionary tale", Economic Development Quarterly, 19(2): 119-125.

Gray, L. C., & Moseley, W. G. (2005). **A geographical perspective on poverty–environment interactions**. The Geographical Journal, 17(1), 9-23.

Leo Kavanagh, Duncan Lee, Gwilym Pryce, (2016), **in poverty decentralizing uncertainty in the decentralizing? Quantifying uncertainty in the decentralizing of urban poverty**, Annals of the American association of Geographers, 106(6): 1286-1298.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]

Martine, G. (2012). **The new global frontier: urbanization, poverty and environment in the 21st century(Earthscan),** amazon.401p.
Massey, D. S., & Denton, N. A. (۱۹۹۳). **American apartheid: Segregation and the making of the underclass**. Harvard University Press, 312p.
Massey, D. S., & Eggers, M. L. (۱۹۹۰). **The ecology of inequality: Minorities and the concentration of poverty, 1970-1988**, American journal of Sociology, 95(5): 1153-1188.
P. Lanjouw & M.R. Marra (2018). **Urban poverty across the spectrum of Vietnam's towns and cities.** Journal World Development.110: 295-306
Ren, C. (2011). **Modeling poverty dynamics in moderate-poverty neighborhoods: a multi-level approach,** Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophyin the Graduate School of The Ohio State University.
S. Hlahla, T. R. Hill, (2015), **Green Economy: A Strategy to alleviate urban poverty and safeguard the environment? Kwazulu- Natal, South Africa**, urban from, 27(1): 113-127.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.16.2]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.239]